

حجاب از دید آیت الله جوادی آملی

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می گوید، می فرماید: حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. آیا حجاب برای بانوان محدودیت نمی آورد؟



خبرگزاری مهر- قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می گوید، می فرماید: حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. آیا حجاب برای بانوان محدودیت نمی آورد؟

شبهه ای که در ذهنیت بعضی از افراد هست، این است که خیال می کنند حجاب برای زن محدودیت و حصار است که خانواده و وابستگی به شوهر برای او ایجاد نموده و بنابراین حجاب، نشانه ضعف و محدودیت زن است.

راه حل این شبهه و تبیین حجاب در بینش قرآن کریم، این است که زن باید کاملاً درک کند، حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم؛ حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم؛ حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند؛ حجاب زن، حق الهی است؛ لذا می بینید در جهان غرب و کشورهایی که به قانون غربی مبتلا هستند، اگر زن همسر داری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آنها پرونده را مختومه اعلام می کنند، اما در اسلام این چنین نیست؛ حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان است؛ همه اینها اگر رضایت بدهند رآن کریم راضی نخواهد بود، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان، زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد. اگر جامعه ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت رفتند، به همان فساد مبتلا می شوند که در غرب ظهور کرده است.

لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم؛ از این که قرآن کریم می گوید هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباطی ندارد.

قهرآ همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن امین امانت الهی هستند. زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن کریم مطرح است یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده و فرموده: این حق مرا به تو به عنوان امانت حفظ کن! آنگاه جامعه به صورتی در می آید که شما در ایران می بینید، جهان در برابر ایران خضوع نموده است، زیرا در مسئله جنگ تا آخرین لحظه، صبر نمود و کاری که بر خلاف عاطفه و رقت و رأفت و رحمت باشد، انجام نداد. با این که دشمنان او از آغاز، حمله به مناطق مسکونی، کشتار بی رحمانه بی گناهان و غیر نظامی ها را مشروع نمودند.

جامعه ای که قرآن کریم در او حاکم است، جامعه عاطفه است و سرش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آن مادرها هستند، چه بخواهیم، چه ندانیم، چه بدانیم و چه ندانیم اصول خانواده، درس رأفت و رقت می دهد، و رأفت و رقت در همه مسائل کارساز است.

فبسه حجاب در قرآن کریم

در هر بخشی و هر بعدی از ابعاد برای سیر به مدارج کمال، بین زن و مرد تفاوتی نیست؛ منتها باید اندیشه ها قرآن گونه باشد، یعنی همان گونه که قرآن کریم بین کمال و حجاب و اندیشه و عفاف جمع نمود، ما نیز در نظام اسلامی بین کتاب و حجاب جمع کنیم. یعنی عظمت زن در این است که : 171#؛ ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال» نبینید مردان نامحرم را و مردان نیز آنان را نبینند. (بحارالانوار ج 3 ص 238).

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می گوید می فرماید: حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند لذا نظر کردن به زنان غیر مسلمان را، بدون قصد تباهی، جایز می داند و علت آن این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی بهره اند.

حال اگر کسی از تشخیص اصول ارزشی عاجز باشد، ممکن است-معاذالله-حجاب را یک بند بداند و حال این که قرآن کریم وقتی مسئله لزوم ضرورت حجاب را بازگو می کند، علت و فلسفه ضرورت حجاب را چنین بیان می کند: "... ذالک ادنی ان یعرفن فلا یوذین" (سوره احزاب آیه 59) یعنی برای این که شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند. چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.

مرد و زن در آن معیارهای اصلی، همتای هم هستند، و یک سلسله مسئولیت های اجرایی برای مرد است که اگر انجام ندهد باید وزر آن را تحمل کند، بنابراین نتیجه می گیریم که اولاً؛ آن تهمت هایی که به اسلام زده و می گویند که اسلام نیمی از جامعه را از بسیاری از حقوق خود محروم نموده است نارواست. ثانیاً؛ این تعصبات و رسوم جاهلی که از دیرباز در فرهنگ جوامع اسلامی رواج پیدا کرده است که زن را به عنوان مظهر ضعف و زبونی یاد می کنند، این باید زدوده بشود. ثالثاً اگر کسی احساس می کند زن نباید از علوم و مسائل تربیتی و مانند آن که خدمات قابل عرضه ای به جامعه ارائه می دهد، استفاده کند، باید از این اعتقاد صرف نظر کند و علاقه مند باشد زن همتای مرد در این علوم و معارف باریابد و به جامعه خدمت کند مگر آنجایی که به طور استثنا وظیفه مرد قرار گرفته است. رابعاً جمله #171؛ عاشروهن بالمعروف» اختصاصی به مسائل داخل منزل ندارد، بلکه در کل جامعه هم جاری است. و مسئله پنجم؛ این است که زن در مقابل مرد، غیر از زن در مقابل شوهر است؛ یعنی زن در مقابل شوهر باید تمکین کند، اما زن در مقابل جامعه، مثل فردی از افراد جامعه است و این چنین نیست که باید اطاعت کند و در مسائل خانوادگی هم می بینیم که گاهی زن قوام و قیوم است و مرد باید اطاعت کند، همچنانکه پسر باید از مادر اطاعت کند ولو در حد بالایی از تخصص های علمی باشد.

درپایان گرچه هنوز شبهاتی در مسئله برابری زن و مرد قابل طرح است لیکن با توجه به اصول کلی یاد شده و آشنایی با خطوط اصیل نظام ارزشی در اسلام و تبیین محور سعادت و شقاوت، پاسخ آنها روشن خواهد بود.